



بررسی تطبیقی قانون جهاد در فقه امامیه و اصل منع توسل به زور در حقوق بین الملل یاسر صالحی ...

یاسر صالحی، طلبه سطح 4، حوزه علمیه امام
صادق «ع» خدابنده

چکیده:

مقدمه

رابطه میان اصل «منع توسل به زور» در حقوق بین‌الملل و قانون «جهاد» در فقه امامیه، از مسائلی است که امروزه با توجه به ظهور پدیده‌های به نام تروریسم، مقابله و استفاده از زور بر ضد آن توسط دولت‌ها ضروری است. مستشرقین و عده‌ای از متفکران شرقی، قانون جهاد در اسلام را به‌منظور کشورگشایی و سلطه‌جویی بر انسان‌ها مطرح کرده‌اند، و دین اسلام را بر اساس خشونت و جنگ معرفی، و جهاد را وسیله‌ای مشروع برای رسیدن به اهداف مسلمانان تعبیر می‌کنند. از نظر آنان اسلام توسل به زور را به‌منظور توسعه و گسترش دین، بهترین ابزار میداند و جهان به این منظور ضرور می‌یابد. این در حالی است که قانون «جهاد» در اسلام به‌منظور دستیابی به اهداف الهی و انسانی است، و کشورگشایی و سیطره‌جویی بر انسان‌ها مطرح نیست، و بازگشت آن به حق دفاع مشروع از خود در برابر تهاجم و تجاوز، و حتی دفاع از سایر دولتهای اسلامی، و به صورت دسته‌جمعی مورد تأیید قرآن و سنت است. لذا از این جهت، قانون «جهاد» در اسلام با استثنائات اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل و منشور ملل متحد هم‌خوانی و اشتراک دارد.

قانون جهاد، اصل منع توسل به زور، دفاع، دفاع مشروع، فقه امامیه، حقوق بین‌الملل، منشور ملل متحد.

«جهاد» یکی از مقدس‌ترین، کامل‌ترین و مترقی‌ترین نهادهای حقوقی اسلام است که در پی تأمین، حفظ و استمرار صلح و امنیت بین‌المللی است، چه جهاد تدافعی که ضامن اجرای عدالت و نفی و دفع تجاوز و مداخله و سلطه‌ی مستکبران و ابر قدرتهاست و چه جهاد دعوت که اساساً مخالف اندیشه‌ی تجاوز و ستمگری و استیلاطلبی است؛ از سوی دیگر در بند 4 ماده 2 منشور ملل متحد که «قاعده اساسی حقوق بین‌الملل معاصر» یا «سنگ بنای صلح» نیز لقب یافته، مقرر شده است: «همه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دیگر کشورها و یا هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد ناسازگار باشد، خودداری خواهند کرد». با وجود برخی اختلاف نظر در تفسیر این ماده، رویکرد شایع و درست و موافق با فن تفسیر قواعد حقوقی همانا تفسیر موسع از آن و در نتیجه منع کلی و تحریم عام توسل به زور است، اگرچه مواردی از این اصل استثنا می‌شود، ازجمله دفاع مشروع فردی یا دسته‌جمعی و دفاع و حمایت از حقوق اساسی بشر و سیستم امنیت دسته‌جمعی. باتوجه به بیانات مذکور، بررسی تطبیقی در اشتراک نظر فقه امامیه با حقوق بین‌الملل و نقاط افتراق آن در اصل منع توسل به زور و مبانی و مکانیسم اجرایی این اصل، ضروری به نظر می‌رسد.

واژگان کلیدی:

«جهاد»

واژه «جهاد» و مشتقات آن 35 بار در قرآن کریم به کار رفته است. این واژه از باب مفاعله و در لغت به معنای کوشش و به کار گرفتن نهایت توان قولی و فعلی در انجام کار است.^{«2»}

«جهاد» یا مشتق از «جَهْد» به فتح جیم به معنای سختی و مشقت است، از آن نظر که مشتمل بر تحمل سختی است یا مشتق از «جُهد» به ضم جیم به معنای وسع و طاقت است، به این دلیل که هرکدام از طرفین درگیر برای دفع دیگری تمام تلاش خود را به کار می‌بندد.^{«3»}

راغب در المفردات پس از یادآوری معانی یاد شده، می‌گوید: «الجهاد و المجاهده استفراغ الوسع فی مدافعه العدو؛ جهاد همانا تمام کوشش را در دفع دشمن به کار بردن است.»^{«4»}

در اصطلاح شرعی، جهاد بذل جان و مال لازم در جنگ با مشرکین یا باغیان به وجه مخصوص، یا بذل جان و مال و توان در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعائر ایمان تعریف شده است. در لسان فقیهان به معنای اخص، یعنی قتال فی سبیل الله و نبرد در راه خدا به کار رفته است، نه مطلق جنگ و نبرد، بلکه به معنای نبرد در راه خدا و اعتلای کلمه الله است که مقصود ما از «جهاد» همین معنای اخص است.^{«5»}

رابطه‌ی اصل «منع توسل به زور» در حقوق بین‌الملل و قانون «جهاد» در فقه امامیه، از مباحث مهم و مناقشه‌برانگیزی است که در سال‌های اخیر با بروز پدیده مقابله با تروریسم، خشونت و کاربرد زور بر ضد دولت‌ها و ملت‌ها دوباره قوت گرفته است. لذا از آن جا که با توجه به فرقه‌های تکفیری نوظهور، برخی برداشت غلط از جهاد در اسلام دارند، لذا این قانون الهی را در تضاد با قوانین و حقوق بین‌الملل عنوان می‌کنند. از این جهت بیان نظرات و ادله فقهی امامیه جهت یافتن نقاط اشتراک و تطبیق قانون جهاد با مفاهیم و مصادیق قوانین بین‌الملل ضروری به نظر می‌رسد. از سوی دیگر، بررسی مسئله استفاده از تسلیحات غیر متعارف در مقام توسل به زور از منظر ادله فقهی امامیه و تطبیق آن با قوانین بین‌المللی، اهمیت و ضرورت انتخاب این موضوع را نشان می‌دهد.

پر واضح است دولتهای اسلامی همان طور که مخاطب قوانین اسلامی هستند، مخاطب قوانین حقوق بین‌الملل می‌باشند؛ زیرا هر یک از دولتهای اسلامی نیز خود را یکی از اعضای جامعه بین‌الملل میدانند، و خود در شکل‌گیری عرف بین‌الملل شریک و سهیم هستند. اگرچه هر یک از دولتهای اسلامی نیز در صورت انعقاد تعهدات و قرار دادهای بین‌المللی باید در چارچوب قوانین اسلامی عمل کنند، اما سرانجام، به دلیل اصل وفای به عهد نسبت به قوانین بین‌الملل متعهد و مسئولاند.

از این جهت، بیان دیدگاه‌ها، نظریات، شرایط و استثنائات موجود در فقه امامیه و بررسی تطبیقی آن با قوانین و حقوق بین‌الملل یکی از مسائل مهم در این پژوهش به نظر می‌رسد.

مفهوم «تهدید یا توسل غیر قانونی به زور» در قوانین بین‌المللی

«توسل به زور» عبارت است از توسل به قوای نظامی برای حل اختلافات و یا تحمیل عقیده و یا خواسته به طرف مقابل که در روابط بین‌الملل توسط دولتها انجام میشود، لذا مفهومی فراگیرتر از «جنگ» دارد. «جنگ» عبارت است از تخاصم بین دولتها با تخاصم در درون یک دولت و سرزمین که به وسیله عملیات نظامی نیروهای مسلح انجام میگردد». «7»

واژه «مداخله» نیز مفاهیم گوناگونی دارد و بیشتر سیاسی است تا حقوقی. در دایرةالمعارف حقوق بین‌الملل عمومی، برای تعریف و تعیین حدود و مفهوم مداخله چنین آمده است: «مداخله آن است که کشوری در امور داخلی یا خارجی کشور دیگر به منظور وادار کردن آن کشور به رفتاری خاص، نفوذ کند و به آن وسیله به او فشار وارد آورده و اراده حاکم کشور محل مداخله را نقض نماید». با این معیار، جانب سلبی مداخله، «خودداری از تحمیل اراده یک دولت به دولت دیگر» خواهد بود. «8»

در حقوق بین‌الملل معاصر، تعریف عدم مداخله همان است که قطعنامه 2625 مجمع عمومی ملل متحد آورده است: «هیچ دولت یا گروهی از دولتها حق مداخله مستقیم یا غیر مستقیم و به هر دلیل در امور داخلی یا خارجی دولت دیگر را ندارد. در نتیجه، مداخله نظامی و دیگر انواع دخالت یا تهدید علیه شخصیت یک دولت یا عناصر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن، نقض حقوق بین‌الملل است». «9»

بسیاری از عالمان حقوق بین‌الملل بر اهمیت ویژه «اصل عدم تهدید یا توسل به زور» به عنوان سنگ بنای حقوق بین‌الملل معاصر تأکید دارند. این اصل که در بند 4 ماده 2 منشور ملل متحد تدوین شده، در بسیاری از اسناد بین‌المللی مهم دیگر تأیید شده است، مانند اعلامیه 1970 اصول حقوق بین‌الملل، سند 1974 تعریف تجاوز، سند نهایی هلسینکی و اعلامیه 1987 درباره کارایی بیشتر اصل خودداری از تهدید یا توسل به زور در امور بین‌المللی. باتوجه به اینکه جنگ معنای فنی و درعین حال غیر دقیقی در حقوق بین‌الملل دارد و دولتها اغلب وارد مخاصمات بین‌المللی میشوند، بدون اینکه بپذیرند از نظر فنی یا تخصصی در «وضعیت حقوقی جنگ» هستند، این مخاصمات میتواند شامل برخوردهای کوچک مرزی یا عملیات گسترده‌ی نظامی باشد؛ مثل اقدامات نظامی فرانسه و انگلیس در سال 1956 برای تصرف حوزه کانال سوئز و از سویی دیگر وقوع جنگهای بین‌المللی از قبیل حمله ژاپن به منچوری «1931»، تهاجم ایتالیا به حبشه «1935»، حمله ژاپن به چین «1937» و از همه مهمتر وقوع جنگ جهانی دوم که نشان داد تدابیر پیش‌بینی شده در میثاق جامعه ملل و پیمان‌های لوکارنو و بریان - کلوگ برای متوسل نشدن به جنگ کافی نبوده است؛ به همین دلیل تدوین‌کنندگان منشور وادار شدند که از واژه «جنگ» بپرهیزند و به جای آن از واژه وسیع و جامع «توسل به زور» استفاده کنند؛ چنان‌که بند 1 ماده 2 مقرر میدارد: «همه اعضا باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت دیگر بپرهیزند...». «6»

نگاهی به تاریخچه بنیان اصل منع توسل به زور

مقایسه مفهوم «توسل به زور»، «جنگ» و «مداخله»

در دوران باستان، مبنای جنگ ها، به کارگیری اعمال وحشیانه بود به صورتی که پیمانها مربوط به صلح به زمانهای محدودتری منتهی میشد. تنها مفهومی که این رفتار را تحت کنترل خود در میآورد، جنگ مشروع جهت دفاع از خود بود. این مفهوم به تدریج توسل به زور را مقید و محدود ساخت. و در قرون وسطی با عنوان جدیدی همراه شد که از آن تعبیر به جنگ عادلانه میکردند. با پایه گذاری این مفهوم به تدریج صلح میان دولتها برقرار شد، ولی با این حال، با ورود به دوره مدرن، هر کشوری که از لحاظ تسلیحات قوی و مسلط به نظر میرسید این قوانین را نقض میکرد. با ورود به قرن نوزدهم راه کارهایی برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات مطرح گردید که نتیجه آن در اواخر همین قرن مشهود گردید، به گونهای که از دیدگاه هوگو گروسیوس جنگ عادلانه مجاز اعلام شد.

این حقوق دان برجسته هلندی، دفاع علیه عامل نقص حقوق بنیادین را عکس العملی طبیعی و مجاز برای کشورهای مورد تهاجم به شمار میآورد. «10»

نتیجه گیری

1. مقصود از «اصل» در عنوان کتاب، قاعده اولیه است، بنابراین، در صورت اخلاص در ارکان و شرایط این اصل، استثنائاتی بر این قاعده اولیه وارد میشود. به همین دلیل، مطالب این نوشتار با چشم پوشی از بخش اول که به بحث مفهوم شناسی اختصاص یافت، در دو بخش جداگانه با عنوان «جایگاه اصل منع توسل به زور» و سپس «موارد استثنای اصل منع توسل به زور» در فقه امامیه و حقوق بین الملل تنظیم شده است.

2. در خصوص نظر فقه امامیه درباره «جهاد و تطبیق آن با جایگاه اصل منع توسل به زور»، نظریه پردازان و فقهای امامیه دیدگاههای مختلفی ارائه کرده اند که ما آن ها را در چهار نظریه مطرح و سپس آن ها را به اجمال نقد و بررسی کرده ایم و خود، نظریه های جدید برگزیده ایم:

الف «نظریه جنگ: عمدتاً به آیات و روایات برای جهاد ابتدایی و قتال با همه کفار و مشرکان تا رفع کفر و شرک از جهان استناد میکنند و آیات دال بر صلح و رفتار ملاطفت آمیز را منسوخ یا مقید به کفار اهل کتاب به شرط پرداخت جزیه میدانند، افزون بر آیاتی که مؤمنان را از سستی در برابر جهاد و دعوت به صلح باز میدارد.

ب «نظریه حاکمیت اسلام: با استدلال مشابه دسته اول، حد جهاد را نه ورود کفار و مشرکان به جرگه مسلمانان بلکه پذیرش حاکمیت دین اسلام دانسته اند. این نظر را به مقتضای جهان شمول بودن آن کشورها و حاکمیت دین اسلام که تحقق خواهد یافت، برگزیده اند.

ج «نظریه صلح: عمدتاً به آیات و روایات صلح و همزیستی مسالمت آمیز با کفار، نهی از نبرد با کسانی که آغازگر جنگ نیستند، محدودیت شئون رسالت و پیامبری به ابلاغ پیام و نیز آزادی انسانها در انتخاب کفر یا ایمان و نفی اجبار در دین استناد کرده است.

د «نظریه دعوت: با اشاره به وظیفه مهم انبیا در دعوت مردم به دین حق، جنگ یا صلح یا حاکمیت اسلام، اسلوب و شیوه های گوناگون دعوت را بنابر مقتضیات، شرایط و اوضاع و احوال دانسته اند.

امامیه در عین پابندی به حفظ عزت و استقلال.

3. اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل - که اینک یک قاعده آمره جهانی است - پیشینه طولانی ندارد، چنان‌که تا پیش از قرن بیستم، هیچ ممنوعیتی در توسل به زور وجود نداشت.

اما آنچه امروزه نه تنها جنگ، بلکه تهدید یا توسل به زور را در همه اشکال آن حتی مقابله و اقدامات تلافی‌جویانه در زمان صلح، ممنوع اعلام کرده، منشور ملل متحد است که همانا سند تأسیس سازمان ملل متحد و به مثابه قانون اساسی جامعه بین‌المللی است.

بر ممنوعیت توسل به زور پس از تصویب منشور ملل متحد در برخی اسناد بین‌المللی دیگر، از جمله اصل عدم مداخله در امور داخلی دولتها، قطعنامه تعریف تجاوز و اعلامیه مانیلا تأکید شده است.

4. در بررسی تطبیقی به این نتیجه رسیدیم که باتوجه به ماهیت دفاعی جهاد، اصل منع توسل به زور قاعده‌ای است که نظام فقهی امامیه و نظام حقوق بین‌الملل در آن اشتراک نظر دارند، گرچه در گستره آن تفاوت‌هایی نیز به چشم می‌خورد. البته از نظر قدمت و پیشینه تاریخی، نظام فقهی امامیه مقدم است، زیرا پیشینه آن در اسلام به تاریخ ظهور اسلام یعنی چهارده قرن پیش بازمی‌گردد، در حالی که این پیشینه در حقوق بین‌الملل به حدود نیم قرن پیش بازمی‌گردد. مبنای این اصل در فقه امامیه خردورزی و عدالت‌خواهی است. بنابراین صلح منفی مورد پذیرش نظام فقهی امامیه نیست، در حالی که مبنا در حقوق بین‌الملل، حفظ صلح و

هـ « نظریه منتخب ما با عنوان «عدم مداخله در تحمیل عقیده و دعوت مسئولانه» بر مبانی زیر استوار است:

- جهانی بودن آیین اسلام؛

- وظیفه همه انبیاء و مؤمنان در نشر دعوت به دین حق که حد آن ابلاغ مبین و رساست؛

- امتنای خلقت انسان بر آزادی مسئولانه؛

- برچیدن عوامل اضلال و فتنه‌گری برای گشودن راه «انتخاب آزاد»؛

- انتخاب بهترین راه دعوت باتوجه به مراحل دعوت و مقتضیات مخاطب و امکانات و اقتدار دولت اسلامی و شیوه‌های مختلف دعوت با در نظر گرفتن تکنولوژی معاصر؛

- ایجاد روابط بین‌الملل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز جوامع اسلامی با دیگر جوامع؛

- نفی مطلق تجاوز، از جمله جنگ تجاوزکارانه در فقه

امنیت بین‌المللی است و خود حفظ صلح بین‌المللی یک ارزش مطلق دانسته شده است که مقدم بر دیگر اهداف و ارزش‌هاست.

باتوجه به روش در نظر گرفته شده در منشور ملل متحد، به‌ویژه نحوه تفویض مسئولیتها و نیز حق وتو به اعضای دائمی شورای امنیت، اقلیت محدودی که همانا قدرتهای بزرگ هستند، بر مجمع عمومی - که یک نهاد برآمده از بیشتر کشورهای جهان است - سلطه دارند. درحالی‌که در فقه امامیه با سازوکار مناسبی که در رهبری جوامع اسلامی مانند علم، عدالت، خردورزی و رعایت تقوا و جهت‌گیریهای ارزشی پیش‌بینی شده است، مانع از سوءاستفاده در مقام عمل و اجرای این اصل خواهد شد.

در تعامل بین دو اصل «وفای به عهد» و «نفی سبیل»، وظیفه دولتهای اسلامی آن است که بارعایت اصول «عزت» و «مصلحت»، تصمیمی مناسب اتخاذ نمایند، ازجمله شاخصهای «مصلحت»، عنصر «ترجیح اهم بر مهم» و ملاحظه احکام ثانویه ناشی از اضطرار است.

5. با وجود پذیرش ممنوعیت توسل به زور و تحریم جنگ به عنوان یک اصل در هر دو نظام حقوقی، مواردی به چشم می‌خورد که استثنایی بر این قاعده است و عبارتند از:

الف «توسل به زور به منظور دفاع از خود؛ ب «توسل به زور به منظور دفاع از دیگری در برابر تجاوز نظامی به آنان؛ و ج «توسل به زور به منظور دفاع از آزادی و حقوق اساسی بشر.

از این سه مورد، دو مورد اول به‌طور مشترک در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل، گرچه با تفاوتی در گستره و مبنا و روش، مقبولیت عام دارد، اما مورد آخر فقط در نظام فقهی امامیه دارای مقبولیت عام است، درحالی‌که در حقوق بین‌الملل نه‌تنها مقبولیت ندارد و مورد اختلاف نظر است، بلکه نظریه حاکم مبتنی بر عدم مشروعیت مداخله بشردوستانه است.

6. توسل به زور به منظور دفاع از خود، جزء جدایی‌ناپذیر همه نظامهای حقوقی است، ولی این مسئله با تفاوتی در دو نظام فقهی امامیه و حقوق بین‌الملل همراه است که عبارتند از:

الف «مشروعیت و عدم مشروعیت دفاع پیشگیرانه در فقه امامیه و حقوق بین‌الملل: براساس دستور صریح قرآن و سنت رسول مکرم اسلام «ص»، اقدام بازدارنده احتیاطی، جایز و بلکه احیاناً واجب است، البته این در صورتی است که خیانت طرف مقابل در پابندی به پیمان عدم تجاوز با نشانههای معتبر احراز شود. بنابراین در فقه امامیه نیز دفاع پیشگیرانه به مفهوم موسع آن پذیرفته نیست، ولی باتوجه به تفسیر معتبر از اصل منع توسل به زور، نظریه مشروعیت دفاع پیشگیرانه در برابر خطر قریب‌الوقوع خارج از چهارچوب دفاع مشروع قرار خواهد گرفت.

ب «مشروعیت حمایت از اتباع دولت اسلامی مقیم خارج، با وجود اختلاف نظر شدید آن در حقوق بین‌الملل: یکی از مسئولیتهای مهم دولتها حمایت از جان و مال اتباع خودشان است، هم‌چنان‌که یکی از مسئولیتهای دولت میزبان رعایت و حمایت از حقوق افراد و جمعیت ساکن در آن کشور است. ریشه بسیاری از این مخالفتها با

مشروعیت حمایت از اتباع در حقوق بین‌الملل، نگرانی درباره سوءاستفاده از این مسئله است.

ظلم‌ستیزی و تحقق عدالت است.

ج « مشروعیت مقابله مسلحانه و یا توسل به زور در فقه امامیه، در مقابله با یک اقدام مسلحانه کمتر از جنگ و عدم مشروعیت آن در حقوق بین‌الملل: ازجمله موارد جهاد تدافعی در اسلام، اصل «مقابله» است، درحالی‌که مفهوم دفاع مشروع، مقابله مسلحانه را جز در مقابله با جنگ و یک حمله مسلحانه « که شامل اقدامات قهری کمتر از جنگ نمیشود » برنمی‌تابد.

7. توسل به زور به منظور دفاع از دیگری در برابر تجاوز نظامی به آنان، بخشی از جهاد تدافعی در فقه امامیه است که در حقوق بین‌الملل با عنوان دفاع دسته‌جمعی و سیستم امنیتی دسته‌جمعی بررسی میشود.

این دو نظام حقوقی با وحدت نظر در اصل مشروعیت و قالبهای اجرایی آن، در برخی امور ازجمله موارد زیر اختلاف نظر دارند:

الف « ماهیت این اقدام در حقوق بین‌الملل فقط قراردادی است ولی در فقه امامیه، افزون بر آنکه مبتنی بر فطرت پاک انسانی یعنی عدالت خواهی و یاری ستم‌دیدگان و مستضعفان است، بلکه یک تکلیف شرعی بر عهده آنان است. هم‌چنان‌که به جمعیت مسلمانان اختصاص ندارد و از همه مظلومان جهان حمایت میکند.

ب « مبنای این امر، در حقوق بین‌الملل، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که اما در اسلام، عمدتاً

ج « هدف و انگیزه دفاع از دیگران در فقه امامیه فقط در جهت منافع ملی نیست، بلکه قوام جهاد و مشروعیت آن به این است که «فی‌سبیل‌الله» باشد، بنابراین با آنچه در عرصه روابط بین‌المللی و در جهت مطامع سیاسی و اغراض مادی و نهایتاً به منظور تعقیب منافع ملی دولتهای اقدام‌کننده صورت می‌گیرد، متفاوت است.

8. توسل به زور به منظور دفاع از حقوق اساسی بشر در فقه امامیه با عنوان‌های «جهاد آزادی‌بخش» و «جهاد دعوت» و در حقوق بین‌الملل با عنوان مداخله بشردوستانه بررسی میشود. با وجود وحدت نظر دو نظام حقوقی در اصل حمایت از حقوق بشر در شیوه حمایت از آن و در نتیجه، مشروعیت توسل به زور به این منظور، اختلاف نظر دارند، افزون بر آن که در برخی مصداقهای حقوق بشر و مبانی و ریشه‌های آن، ازجمله مبنای آزادی عقیدتی، اختلاف نظر جدی وجود دارد.

9. فقه امامیه، تروریسم و تولید یا استفاده از سلاحهای کشتار جمعی را ناروا میداند. افزون بر قبح عقلی تجاوز به آزادیها و حق حیات انسان‌های بیگانه، آیات و روایات این اقدامات را منع میکنند. بنابراین جهاد اسلامی دستاویزی برای اقدامات تروریستی یا تولید سلاح کشتار جمعی نیست.

منابع و مأخذ

« 9 ». ایوانز، گراهام و جفری نونام، «فرهنگ روابط بین الملل»، ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی، ص 364.

پاورقی‌ها:

« 2 ». ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب» ج 1، ص 683.

« 10 ». عمید زنجانی، عباسعلی، «فقه سیاسی، بین الملل اسلامی»، ج 3، ص 347.

« 3 ». همان.

« 11 ». ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «حقوق بین الملل عمومی»، صص 50 - 51.

« 4 ». الاصفهانی، الراغب، «المفردات فی غریب القرآن»، ص 208.

« 12 ». صفایی، حسین، «مداخله در امور کشورهای دیگر از دیدگاه حقوق بین الملل»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، شماره 9، پاییز و زمستان 1367، ص 43.

« 5 ». النجفی، محمد حسن، «جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام»، ج 21، ص 3.

« 13 ». میرمحمدی، سید مصطفی، «اصل عدم مداخله در اسلام و حقوق بین الملل»، صص 44.

« 6 ». الجبعی العاملی، زین الدین بدعلی، «مسالك الافهام إلى تنقیح شرایع الاسلام»، ج 3، ص 201.

« 14 ». همان، صص 44 - 45.

« 7 ». مولوسن، آ.ا، «اصل عدم تهدید و توسل به زور در جهان معاصر»، ترجمه منیژ اسکندری زنجانی، مجله سیاست خارجی، سال 12، شماره 1، صفحه 155 - 156.

« 15 ». ضیایی بیگدلی، محمدرضا، «مشروعیت جنگ و توسل به زور از دید حقوق بین الملل»، مجله سیاست خارجی، تهران، شماره 2، صص 128 - 129.

« 8 ». مدنی، جلال الدین، «حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط اول»، ج 2، ص 125.

پانویس‌ها: